

Investigating the Transitivity structure of Chapter 12 of the Quran based on Halliday Systemic Functional Approach

Hadis Kermani¹, Amer Gheitury², Korosh Saberi³

MA Graduate, Razi University, Kermanshah, Iran

Associate Professor of Theoretical Linguistics, Razi University,
Kermanshah, Iran

Assistant Professor of Theoretical Linguistics, Razi University, Kermanshah.
Iran

Abstract

Halliday's functional grammar underlines the significance of function and meaning and deals with language for its function in social interactions. The present research aims at exploring the transitivity structure of chapter 12 (Joseph) in order to reveal the frequency with which different processes are used and their function in forming the specific style of the narrative. In doing so, we studied all clauses used in the story and described all processes, participants, as well as circumstantial elements in the clauses. Results indicated that material processes outnumbered other processes. A text narrating important events in a prophet's life is naturally expected to use more material processes. However, after material processes, verbal processes were the second frequently used ones. The high frequency of verbal processes could be explained with reference to the fact that the story of Joseph is narrated in the form of a set of dialogues where characters converse one another. This is to believe that while narrating events in material processes, the Quran pays much attention to the speech acts performed by characters in the narrative, making the whole narrative proceed in a dialogical style.

Keywords: systemic functional grammar, transitivity structure, Joseph chapter, material process, verbal process.

بررسی ساختار گذرایی سوره یوسف براساس دستور نقشی - نظام‌مند هلیدی

حدیث کرمانی^۱، عامر قیطوری*^۲، صابری، کورش^۳

- ۱- گروه زبان شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
kermani.hadis@yahoo.com
- ۲- گروه زبان شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
gheitury@gmail.com
- ۳- گروه زبان شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
saberi50k@yahoo.com

چکیده

دستور نقش‌گرایی هلیدی بر اهمیت نقش و معنا تأکید می‌ورزد و زبان را با توجه به نقش آن در تعاملات اجتماعی بررسی می‌کند. در پژوهش حاضر، ساختار گذرایی سوره یوسف از منظر فرآینش تجربی با توجه به دستور نقشی - نظام‌مند هلیدی بررسی شده است تا میزان و نقش فرآیندهای به‌کاررفته در شکل‌دهی سبک خاص این سوره، آشکار و از این رهگذر شناخت بهتری از آن حاصل شود. برای این منظور، تمامی جمله‌واره‌های موجود در سوره یوسف، بررسی و فرایندها، شرکت‌کننده‌ها و عناصر آنها استخراج و تحلیل شدند. نتایج این پژوهش نشان دادند در این سوره، فرآیند مادی، بیشترین فراوانی را دارد. متنی که روایت‌کننده حوادث مهم زندگی پیامبری است، به‌طور طبیعی از کنش‌های مادی بهره بیشتری می‌برد. پس از فرآیند مادی، فرآیند کلامی دارای بیشترین بسامد وقوع است. دلیل این بسامد این حقیقت است که متن سوره یوسف به‌صورت مجموعه‌ای از «قول‌ها» ارائه شده است که اشخاص گوناگون را در گفت‌وگوهایی در برابر هم قرار می‌دهد. در کنار بیان وقایع مهم از طریق فرآیندهای مادی، قرآن به کنش‌های گفتاری اشخاص روایت نیز توجه ویژه‌ای دارد. همین ویژگی سبب می‌شود کل روایت با گفت‌وگو جریان یابد.

واژه‌های کلیدی

دستور نقشی - نظام‌مند، ساختار گذرایی، سوره یوسف، فرآیند مادی، فرآیند کلامی.

۱- طرح مسئله

قرآن کریم، متنی به زبان عربی معیار و متنی آسمانی است که انسان را به خداوند پیوند می‌دهد و پژوهشگران زبان از دیرباز به آن توجه داشته‌اند. با وجود این و مطالعات زبان‌شناختی و کلامی بسیار، به ویژگی‌های متنی آن تا حد زیادی غفلت شده و هنوز محل گفت‌وگو و چالش بسیار است. نظریهٔ نقش‌گرایی هلیدی، یکی از رویکردهای نام‌آشنای متنی است که در سال‌های اخیر توجه بسیاری از زبان‌شناسان و پژوهشگران علوم قرآنی را به خود معطوف داشته است. باور اصلی نقش‌گرایان، به‌ویژه هلیدی، این است که ساختار زبان از نقش‌های گوناگون زبان در اجتماع و در فرآیند ارتباط تأثیر می‌پذیرد، در ارتباط با آنها شکل می‌گیرد و دگرگون می‌شود. از نظر هلیدی، ساختارهای سه‌گانهٔ زبان یعنی ساخت گذرایی، ساخت وجه و ساخت مبتدایی به سه نقش اصلی (فرانقش) زبان یعنی نقش تجربی یا بازنمودی، نقش بینافردی و نقش متنی تحقق‌زبانی می‌بخشند.

مطالعهٔ روایت یوسف در قرآن در پرتو ساختار گذرایی، مستلزم توضیح چگونگی شکل‌گیری این متن براساس کنش‌هایی است که اشخاص روایت در موقعیت‌های خاصی دارند. توضیح اینکه این متن چگونه کنش‌ها و تجارب اشخاص روایت را منعکس می‌کند، به چه کنش‌هایی بیشتر توجه دارد و کدام کنش‌ها نقش کلیدی در تحقق متنیت آن و ارتباط خاص آن با خواننده دارد، همگی پرسش‌هایی درخور توجه‌اند. با توجه به آنچه گفته شد تحلیل و توضیح ساختار کلامی قرآن براساس نظریهٔ نقش‌گرای هلیدی^۱، ممکن است برای برخی پرسش‌های موجود دربارهٔ متن قرآن و ساختار آن پاسخی درخور بیاید.

به علاوه، این‌گونه تحلیل‌ها برای خوانندگان و مخاطبان علاقمند، راهنمایی برای درک هر چه بهتر متن آسمانی قرآن است. در ادامه، پس از بیان مبانی نظری پژوهش یعنی رویکرد نقش‌گرای هلیدی و توضیح ساختار گذرایی، پیشینهٔ مطالعات مرتبط و روش پژوهش معرفی شده است. در پی آن، تحلیل و نتایج تحلیل ساختار گذرایی سورهٔ یوسف ارائه شده‌اند.

۲- پیشینهٔ مطالعات

یکی از ویژگی‌های مطالعات قرآنی که طی دو دههٔ اخیر پژوهشگران ایرانی انجام داده‌اند، واردکردن مفاهیم نظری جدید دربارهٔ تحلیل گفتمان، به‌ویژه تحلیل متن است. در این زمان پژوهش‌های متعددی به‌صورت رساله و مقالات به چاپ رسیده‌اند که بیشتر در چارچوب نظریهٔ نقش‌گرای هلیدی به انجام رسیده‌اند؛ از جملهٔ مطالعات رضویان و عزیز (۱۳۹۳). آنان با تکیه بر رویکرد نقش‌گرایی هلیدی، افزوده‌های حاشیه‌ای^۲ سوره‌های مائده و یوسف (نمونه‌هایی از سوره‌های مدنی و مکی) را بررسی کرده‌اند. نگارندگان پس از استخراج این افزوده‌ها و تعیین بسامد آنها در سوره‌های مذکور، انواع افزوده را در این دو سوره تفسیر و دلایل وجود افزوده‌ها را با توجه به فراوانی آنها بررسی کرده‌اند. نتایج بررسی نشان می‌دهند در مجموع میزان استفاده از افزوده‌ها در سورهٔ مدنی مائده بیش از سورهٔ مکی یوسف است. پربسامدترین افزوده‌ها در هر دو سوره، افزوده‌های سبب (دلیل، هدف و ذینفع) و موقعیت (مکان و زمان) هستند که افزودهٔ موقعیت در سورهٔ مبارکهٔ مائده بسامد بیشتری دارد. جزئیاتی از جنس سبب،

نظام‌مند هلیدی، آغازگرهای متون داستانی و غیرداستانی قرآن کریم را بررسی کرده است. او عقیده دارد اگرچه هلیدی (۱۹۹۴) در نظریه خود آغازگرها در زبان انگلیسی را بررسی کرده است و آن را تعمیم‌پذیر به سایر زبان‌ها می‌داند، ساخت آغازگر در زبان عربی با آنچه هلیدی مطرح کرده است، تفاوت‌هایی دارد. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد مقولاتی که هلیدی در زمینه آغازگر در انگلیسی بیان می‌کند، تعمیم‌پذیر نیستند. ایشانی و نعمتی قزوینی (۱۳۹۱) براساس مبانی و اصول زبان‌شناسی نقش‌گرا و به روش توصیفی-تحلیلی و آماری، به بررسی کمی انسجام و پیوستگی براساس الگوی انسجام و پیوستگی حسن (۱۹۸۴) و همچنین هلیدی و حسن (۱۹۸۵) در سوره مبارکه صف پرداخته‌اند. نگارندگان با به‌کارگیری روش علمی و نه صرفاً نظری، به این نتیجه رسیده‌اند که این سوره، با وجود داشتن تنوع مضمون از انسجام و پیوستگی زیادی برخوردار است. کرمی و اسکندرلو (۱۳۸۹) ضمن معرفی معیارهای انسجام مضمونی، به بررسی این نکته پرداخته‌اند که هر یک از این معیارها، تا چه میزان و با چه الگویی پیوستگی محتوایی قرآن را تحلیل می‌کنند. نگارندگان چنین نتیجه می‌گیرند که اگرچه برخی از نظریه‌های وحدت مضمونی، از نوعی ابهام و ناهماهنگی رنج می‌برند، این رهیافت با دفاع از معناداری ترتیب فعلی قرآن، توقیفی بودن آیات سوره‌ها، تأکید به روش تفسیر قرآن به قرآن و نیز به‌کارگیری با قاعده معیارهای انسجام مضمونی، گویای سازگاری درونی معانی قرآن و وحدت مضمونی آن است؛ از این رو رهیافتی مناسب برای فهم و تفسیر بهتر قرآن است. آذرنژاد (۱۳۸۵) انواع انسجام دستوری، پیوندی و

علت و انگیزه یک عمل، نشان‌دهنده توجه ویژه پروردگار به منشأ و سبب امور و دعوت مخاطبان به تدبیر در این امور است. بسامد افزوده‌های موقعیت نیز حاکی از توجه ویژه خداوند به مخاطب کتاب و محدودیت‌های نوع بشر و فهم‌پذیر ساختن متن قرآن کریم برای مخاطب است.

همچنین نبی‌فر (۱۳۹۲) سوره‌های «تکواثر»، «تکویر»، «عادیات»، «قارعه»، «نازعات»، «نبأ» و «عبس» از جزء سی‌ام قرآن کریم را از منظر فرانشی اندیشگانی دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی بررسی کرده است. او پس از بررسی سوره‌های مذکور و استخراج فرایندهای به‌کاررفته در این سوره‌ها، چنین نتیجه گرفت که در این سوره‌ها، فرایند مادی بیشترین کاربرد را داشته است. او دلیل این امر را درک‌پذیر بودن کلام خداوند برای بشر می‌داند.

نمونه‌ای دیگر اینکه باتمانی (۱۳۸۹) و باتمانی و قیطوری (۱۳۹۲) آیات سوره یاسین را از منظر اصول و مبانی نظریه سیستمی - نقشی هلیدی تجزیه و تحلیل کرده‌اند. نگارندگان، سه ساختار گذرایی، وجهی و مبتدایی را در آیات سوره یاسین بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که براساس فرانشی بازنمودی، بیشترین فرایندها از نوع کلامی است و سایر فرایندها نیز به ترتیب فراوانی از نوع مادی، رفتاری، ذهنی و رابطه‌ای‌اند. در این تحلیل نمونه‌ای از فرایند وجودی مشاهده نشد. همچنین، تحلیل سه ساختار یادشده در این سوره، علاوه بر نشان دادن قابلیت‌های نظریه نقش‌گرا در تحلیل این‌گونه متون، متن مدنظر را مجموعه‌ای از قول‌هایی نشان می‌دهد که از ساختار وجهی همانندی برخوردارند.

جهرمی (۱۳۸۰) براساس نظریه نقش‌گرای

واژگانی در ۲۱ سوره از جزء سی‌ام قرآن کریم را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که در متن قرآن از عوامل انسجामी مختلفی استفاده شده است. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد بیش از ۹۰ درصد سوره‌ها، در رابطه با ترتیب و میزان به‌کارگیری عوامل انسجामी، از الگویی مشابه برخوردارند و بدون استفاده از آن، امکان درک مفاهیم قرآن، ترجمه و تفسیر آن میسر نخواهد بود.

۳- چارچوب نظری: رویکرد نقشی - نظام‌مند هلیدی

رویکرد نقشی - نظام‌مند زبان را پدیده‌ای می‌داند که هویتی نشانه‌شناختی و اجتماعی دارد. در این رویکرد، زبان ابزاری برای انتقال معنی است که نمی‌تواند خارج از بافت موقعیتی مطالعه شود. از ویژگی‌های بارز این رویکرد که آن را از دیگر مکاتب متمایز می‌سازد، این است که بر اهمیت نقش و معنا تأکید می‌کند و زبان را با توجه به نقش آن در تعاملات اجتماعی بررسی می‌کند و به‌منزله یکی از نظریه‌های زبان‌شناسی در تجزیه و تحلیل متون همواره شایان توجه پژوهشگران بوده است. برخلاف صورت‌گرایان که زبان را متشکل از ساختارهایی با روابط منطقی می‌پندارند، نقش‌گرایان، زبان را نظامی برای ایجاد ارتباط تلقی می‌کنند. هدف هلیدی هنگام طرح نظریه دستور نقش‌گرای نظام‌مند، شناخت و درک دستورزبان با تحلیل و تعبیر متن^۳ بوده است (هلیدی و متیسن^۴، ۲۰۰۴).

دستور هلیدی براساس دو صفت نسبت داده شده به آن بنیان یافته است: نظام‌مند و نقش‌گرا. هلیدی و متیسن (۲۰۰۴، ص ۲۳) معتقدند دستور نقش‌گرا به

این دلیل نظام‌مند نامیده می‌شود که زبان را شبکه‌ای از نظام‌ها یا به‌عبارتی مجموعه مرتب‌تری از انتخاب‌هایی^۵ می‌داند که معنا را می‌سازند. این دستور، در درجه نخست به انتخاب‌هایی می‌پردازد که دستورزبان در اختیار گوینده یا نویسنده قرار می‌دهد. این انتخاب‌ها امکان عینیت‌بخشیدن به صورت‌های مختلف زبان را برای گوینده و نویسنده فراهم می‌کند. نکته برجسته و حائز اهمیت دستور هلیدی این است که این دستور بر پایه روابط جاننشینی قرار دارد. به این ترتیب، زبان شبکه‌ای از نظام‌ها یا مجموعه‌ای از امکانات مرتبط به هم به‌منظور ساخت معنی است. هلیدی (۱۹۹۴) دستور خود را نقش‌گرا می‌نامد؛ زیرا هر واحد زبانی در آن با ارجاع به نقش ارتباطی کاربردی زبان تبیین می‌شود.

به نظر می‌رسد هر متن گفتاری یا نوشتاری در بافت کاربردی خود درک و تشخیص‌پذیر است و همین کاربرد زبان، عامل شکل‌گیری ساختار زبان است. بنابر مدعای نقش‌گرایان، ساختارهای زبانی در ارتباط با نقش و کاربرد زبان است که شکل می‌گیرند یا متحول می‌شوند (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴، دبیرمقدم، ۱۳۸۶). از نظر هلیدی، ساختار زبان از نقش‌هایی تأثیر می‌گیرد که زبان در بافت ارتباطی و در جهان خارج به‌عهده دارد. این تأثیر به شکل سه نقش تجربی، بینافردی و متنی تجلی می‌یابد (هلیدی، ۱۹۸۵، ص ۱۷).

به باور اجینز^۶، «فرانقش تجربی^۷ به محتوای تجربه و به چگونگی باز نمود تجربه در زبان مرتبط است» (۲۰۰۴: ۱۲). بر پایه این فرانقش، ما از زبان برای صحبت کردن درباره تجربیات خود از جهان بیرون و جهان ذهن خود استفاده می‌کنیم و رویدادها، حالت‌ها

موضوع سخن در حیطهٔ فرانش تجربی قرار می‌گیرد، عاملان سخن به فرانش بینافردی و شیوهٔ بیان به فرانش متنی مربوط می‌شود (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴، ص ۵۷). در هر فرانش، عناصر زبان، نقش‌های مربوط به آن فرانش را می‌پذیرند. به این ترتیب آنچه در این دستور شایان توجه قرار می‌گیرد، نقش اجزای مختلف زبان است؛ برای مثال، در جملهٔ «من به مدرسه رفتم»، از دیدگاه فرانش تجربی، من «کنشگر»^{۱۱} است. همین عنصر از دیدگاه فرانش بینافردی «فاعل»^{۱۲} و در فرانش متنی «مبتدا»^{۱۳} است (همان، ص ۵۸).

سه فرانش اصلی بالا یعنی فرانش تجربی، فرانش بینافردی و فرانش متنی هر یک به ترتیب با یکی از بخش‌های سه‌گانهٔ واژ - دستور^{۱۴} یعنی ساختار گذرای، ساختار وجه و ساختار مبتدایی، تحقق زبانی می‌یابند.

۲-۲ ساختار گذرای^{۱۵}

این ساختار زبانی که تحقق زبانی فرانش تجربی را به عهده دارد، یکی از بخش‌های سه‌گانهٔ «واژ - دستور» به شمار می‌رود. به‌طور طبیعی زبان ما از واژگانی تشکیل شده است که تجارب ما را تحقق زبانی می‌بخشد. برای کنش‌ها و حالت‌های گوناگون، افعال و صفات وجود دارد؛ برای مثال، فعل‌هایی چون خوردن و فکرکردن دو نوع کنش را در جهان نشان می‌دهند. این افعال یا فرایندها، مهم‌ترین بخش بند یا جمله‌واره‌اند که شخصی انجام می‌دهد یا به او نسبت داده می‌شوند و شخص یا چیزی هم عمل را دریافت می‌کند یا از آن بهره می‌برد. ساختار گذرای به‌طور خلاصه بیان‌کنندهٔ آنست که چه عملی را چه کسی انجام داده و بر چه چیزی و در چه شرایطی انجام

و عناصر دخیل را توصیف می‌کنیم. هنگام تحلیل متن از نقطه‌نظر تجربی، توجه به این نکته ضروری است که چه نوع فرآیند یا رویدادی در حال وقوع است.

«فرانش بینافردی»^{۱۶} روابط بین گوینده و شنونده و نحوهٔ ایجاد ارتباط بین آنها را بررسی می‌کند که در قالب یکی از روش‌های زیر انجام می‌گیرد: دریافت اطلاعات در قالب وجه پرسشی، ارائهٔ اطلاعات در قالب وجه خبری، ارائهٔ خدمات در قالب پیشنهاد، درخواست خدمات در قالب وجه امری. در چهارچوب این فرانش، از زبان برای تعامل با دیگر افراد و برقراری رابطه استفاده می‌شود. هلیدی (۱۹۸۵) معتقد است در این فرانش، گوینده با بیان هر بندی در تکاپوی ایجاد ارتباط با شنونده است. همچنین او بیان می‌کند عوامل لازم برای ایجاد ارتباط مذکور، در ساختار وجهی کلام نمایان می‌شوند.

در چهارچوب «فرانش متنی»^{۱۷}، به چگونگی سازماندهی پیام و نحوهٔ شکل‌گیری آن پرداخته می‌شود. با این فرانش، زبان به خلق متن می‌پردازد. در اینجا با توجه به آنچه قبل و بعد از جمله می‌آید، اجزای مختلف جمله را ترتیب می‌بخشیم. ما پیام‌های خود را به شیوه‌ای سازماندهی می‌کنیم که با پیام‌های قبل و بعد خود و بافت بزرگ‌تر مرتبط با آن سازگاری داشته باشد. هلیدی (۱۹۸۵) در این رابطه بیان می‌کند در فرانش مذکور، ساختار مبتدا - خبری مدنظر است؛ بدین معنی که شکل‌گیری متن با توجه به ترتیب واژگان به‌کاررفته در آن صورت می‌گیرد.

جنبه‌های مختلف تجربهٔ انسان (فرایند رخ داده، چگونگی روابط افرادی که در این فرایند درگیرند و انسجام و پیوستگی و توالی عناصر پیام) با سه فرانش تجربی، بینافردی و متنی تجلی زبانی می‌یابد.

جدول ۱: فرایند مادی

شکست	شیشه را	رضا
فرایند مادی	هدف	کنشگر

ب) فرایند ذهنی^{۱۸}

کنش‌هایی همانند فکرکردن، دوست‌داشتن، فهمیدن و غیره به این دسته از فرایندها تعلق دارند. این فرایندها دو شرکت‌کننده دارند؛ یکی عنصری با شعور که احساس و اندیشه را درک می‌کند و «حسگر^{۱۹}» نامیده می‌شود و دیگری، رخدادی که حسگر آن را درک می‌کند و «پدیده^{۲۰}» نامیده می‌شود. از نظر تامسون، یک فرایند ذهنی، بیشتر مربوط به کنش‌هایی است که درک یا احساس می‌شود. در این فرایند، لزوماً کاری صورت نمی‌گیرد، بلکه کنشی در دنیای درون ذهن رخ می‌دهد (تامسون، ۱۹۹۷، ص ۸۲).

جدول ۲: فرایند ذهنی

ایمان دارند	به خدا	همه مسلمانان
فرایند ذهنی	پدیده	حسگر

تامسون (۱۹۹۷) پنج معیار برای تمایز میان فرایندهای مادی و ذهنی بیان می‌کند:

۱) در فرایندهای ذهنی، یکی از شرکت‌کننده‌ها الزماً موجودی باشعور است، اما در بندهای دارای فرایند مادی، هر دو شرکت‌کننده می‌توانند غیرذی‌شعور باشند.

۲) در افعال ذهنی، عنصر پدیده به مراتب گسترده‌تر از عنصر هدف در افعال مادی است.

۳) تمایز دیگر میان فرایندهای مادی و ذهنی، عنصر زمان است. در فرایندهای مادی، معمولاً زمان حال استمراری و در فرایندهای ذهنی از حال ساده

شده است. به عبارت دیگر، در ساختار گذرایی هر بند از سه عنصر کنش یا فرآیند، شرکت‌کنندگان و عناصر پیرامونی تشکیل شده است که در ذیل توضیح داده می‌شوند (ر. ک. هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴). فرایند در هر جمله‌واره یا بند، عنصری است که کنش اصلی یا مفهوم اصلی بند را در بر دارد و معمولاً در قالب گروه فعلی محقق می‌شود. در ساخت گذرایی، فرایندها به انواع مادی، ذهنی، رفتاری، رابطه‌ای، کلامی و وجودی تقسیم می‌شوند. مشارکین همان افرادی یا هویت‌هایی‌اند که در انجام یک کنش یا یک فرایند ایفای نقش می‌کنند و مفاهیمی چون کنشگر و حسگر را در بر می‌گیرند؛ اما عناصر پیرامونی در دستور نقش‌گرای نظام‌مند عنصری‌اند که معمولاً به‌صورت گروه حرف اضافه‌ای، گروه قیدی محقق می‌شوند. عناصر پیرامونی حاوی اطلاعات حاشیه‌ای درباره متن‌اند و در همه انواع فرایندها وجود دارند و در همه جا از اهمیت یکسانی برخوردارند (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴، ص ۲۶۱). در ادامه به انواع فرایندها و مشارکین خاص هر فرآیند پرداخته شده است.

الف) فرایند مادی^{۱۶}

این فرایند، رخداد و فعالیت‌های مادی از قبیل نشستن، خوردن، دویدن را در جهان خارج نشان می‌دهد یا به عبارت ساده‌تر، به کنش‌های مادی موجود در جهان تحقق‌زبانی می‌بخشد. در این‌گونه فرایندها شرکت‌کننده‌ای به نام «کنشگر» وجود دارد که عملی را انجام داده است. عنصر دیگری که در انجام این فرایند نقش دارد و از عمل انجام شده تأثیر گرفته است، «هدف^{۱۷}» نامیده می‌شود.

مثال:

استفاده می‌شود.

ت) فرایند رفتاری^{۲۵}

فرایندهای رفتاری در مرز میان فرایندهای مادی و ذهنی قرار دارند. این فرایندها به‌طور معمول به انسان نسبت داده می‌شوند و رخدادهای فیزیولوژیکی و روانشناختی را شامل می‌شوند. افعالی نظیر سرفه کردن، لبخند زدن، نگاه کردن و غیره، بیان‌کننده این نوع فرایند هستند. در مقایسه با سایر فرایندها، تشخیص فرایند رفتاری از همه دشوارتر است؛ زیرا نمی‌توان ویژگی خاصی را به این فرایند نسبت داد؛ زیرا آنها از یک طرف تاحدی شبیه فرایند مادی و از طرف دیگر، تاحدی شبیه فرایندهای ذهنی عمل می‌کنند. شرکت‌کننده این فرایند به‌طور معمول موجودی ذی‌شعور است و «رفتارگر^{۲۶}» نامیده می‌شود (تامپسون، ۱۹۹۷، ص ۱۰۳).

جدول ۴: فرایند رفتاری

با دیدن معلم	همهٔ بچه‌ها	خندیدند
عنصر پیرامونی	رفتارگر	فرایند رفتاری

ث) فرایند وجودی^{۲۷}

بندهای دارای فرایند وجودی از وجود وضعیتی یا رخداد چیزی خبر می‌دهند. در جمله‌واره‌های وجودی، بیشتر فعل «بودن» یا فعلی با معنایی نزدیک به آن وجود دارد. چنانکه در مثال زیر ملاحظه می‌شود، تنها شرکت‌کننده این نوع فرایند عنصری به نام «موجود^{۲۸}» است که از وجود داشتن یا نداشتن آن سخن گفته می‌شود.

جدول ۵: فرایند وجودی

در این داستان	نکات پندآموزی	وجود دارد / وجود ندارد
عنصر پیرامونی	موجود	فرایند وجودی

۴) در بندهای دارای افعال ذهنی، می‌توان جای دو شرکت‌کنندهٔ حسگر و پدیده را عوض کرد، بدون اینکه تغییری در معنای بند ایجاد شود. به عبارتی در این فرایندها، هر دو شرکت‌کننده می‌توانند در جایگاه فاعل قرار بگیرند؛ اما این وضعیت در افعال مادی امکان‌پذیر نیست.

۵) تمایز دیگر دربارهٔ نوع سؤالاتی است که دربارهٔ این افعال پرسیده می‌شود. فرایندهای مادی را می‌توان با عباراتی نظیر «چه کار کرد؟» یا «چه اتفاقی افتاد؟» و فرایندهای ذهنی را با عباراتی مثل «احساسش نسبت به این مسئله چه بود؟» یا «عکس‌العملش چه بود؟» پرسید.

پ) فرایند کلامی^{۲۱}

فرایندهای کلامی کنش‌هایی‌اند که چیزی را بیان می‌کنند و نمونهٔ بارز این دسته از افعال «گفتن» است. در متون روایی یا مکالمه‌ای از این فرایند بسیار استفاده می‌شود. افعالی همانند گفتن، قول دادن، سرزنش کردن، بیان نمودن و بسیاری دیگر از کنش‌هایی که با گفتن انجام شوند از زمرهٔ این فرایندها هستند. دیگر شرکت‌کنندگانی که در انجام این فرایند مشارکت دارند، عبارت‌اند از «گوینده^{۲۲}»، «گیرنده^{۲۳}»، «گفته^{۲۴}». به عبارت ساده‌تر، در جمله‌واره‌های کلامی گوینده‌ای گفته‌ای را خطاب به گیرنده یا در رابطه با او به زبان می‌آورد. در مثال زیر، خواندن، فرآیندی کلامی است که از طریق آن مادر یعنی گوینده برای دخترش قصه‌ای را می‌خواند.

جدول ۳: فرایند کلامی

مادر	برای دخترش	قصه‌ای را	خواند
گوینده	گیرنده	گفته	فرایند کلامی

ج) فرایند رابطه‌ای^{۲۹}

نقش اصلی فرایندهای رابطه‌ای شناسایی، هویت‌دادن و تعریف چیزی است. در این نوع فرایند، به کمک فعل بودن یا داشتن یا فعلی با همین مضمون بین دو چیز یا دو مفهوم رابطه‌ای برقرار می‌شود. به عبارتی، این فرایند به کیفیت و چگونگی پدیده‌ها مربوط می‌شود (تامسون، ۱۹۹۷، ص ۹۶) فرایندهای رابطه‌ای را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد:

ج-۱) حالت شناسایی^{۳۰}

در این حالت، رابطه‌ای همانند میان دو طرف فرایند یعنی دو مشارک وجود دارد و یکی به شناخت دیگری منجر می‌شود. در این نوع بند رابطه‌ای، دو نوع شرکت‌کننده یعنی شناسا و شناخته وجود دارد. شناسا^{۳۱}، مشارکی است که مشارک دیگر را با آن شناسایی می‌کنیم و شناخته^{۳۲}، مشارکی است که باید بشناسیم. شناسا در اینجا، هویت شناخته را بیان می‌کند و به معرفی بیشتر آن می‌پردازد. در این نوع فرایند رابطه‌ای، فعل ربطی به معنی «برابر است با» است. به عبارت دیگر، شناخته همان شناسا است (همان)؛ بنابراین، در این نوع فرایند، دو طرف رابطه می‌توانند با هم جابه‌جا شوند (همان)؛ همچنین بازگفت در باتمانی و قیطوری).

جدول ۶: فرایند رابطه‌ای / شناخته، شناسا

قاهره	پایتخت مصر	است
پایتخت مصر	قاهره	است
شناخته	شناسا	فرایند رابطه‌ای

ج-۲) حالت اسنادی^{۳۳}

در این حالت، ویژگی یا وضعیت خاصی به کسی

یا چیزی نسبت داده می‌شود. مشارکین اصلی در این نوع فرایند رابطه‌ای عبارت‌اند از «حامل^{۳۴}» و «مسند^{۳۵}». تفاوت نوع اسنادی با نوع قبلی در آنست که جابه‌جایی دو مشارک اصلی ناممکن است و به ساختاری غیرمعمول منجر می‌شود؛ با این حال، چنانچه مسند مدنظر، «مسند پیرامونی^{۳۶}» باشد، همچنانکه در مثال زیر (جدول ۸) مشاهده می‌شود، جابه‌جایی حامل و مسند ممکن خواهد بود (همان، ص ۹۸)

جدول ۷: فرایند رابطه‌ای / حالت اسنادی

پرویز	بسیار باهوش	است
پرویز	دانش‌آموز	است
حامل	مسند	فرایند رابطه‌ای

جدول ۸: فرایند رابطه‌ای با مسند پیرامونی

در بالای کوه (مسند پیرامونی)	چشمه‌ای (حامل)	است (فرایند رابطه‌ای)
چشمه‌ای (حامل)	در بالای کوه (مسند پیرامونی)	است (فرایند رابطه‌ای)

۴- روش پژوهش

در این پژوهش با روش درون‌متنی، آیات سوره یوسف (شامل یکصد و یازده آیه) تجزیه و تحلیل شدند. پژوهش حاضر در محدوده آیات سوره یوسف انجام شده است و بندهای این آیات براساس فراتقش بازنمودی تجزیه و تحلیل شدند که بخشی از پیکره اصلی نظریه هلیدی است. واحد تحلیل برای هلیدی جمله‌واره یا بند است. پس ابتدا بندهای هر آیه، مشخص و براساس فراتقش بازنمودی تحلیل شدند، سپس انواع فرایندها، شرکت‌کننده‌ها و عناصر پیرامونی موجود در هر بند استخراج شدند. در نهایت با استفاده از روش کدگذاری، بسامد و درصد کلی

پژوهش این ساختارهای پیچیده نیز بررسی و تجزیه و تحلیل شده‌اند که در زیر به تفصیل آمده‌اند. در ارتباط با داده‌های پژوهش حاضر، تمامی ۵۴۸ بند سوره یوسف براساس فرانشس تجربی تحلیل شده‌اند. در این بخش، در بندهای سوره یوسف انواع فرایندها، شرکت‌کننده‌ها و عناصر پیرامونی هر فرایند استخراج شده‌اند. تمام بندهای سوره یوسف بر اساس این تجزیه و تحلیل شده‌اند که در این بخش، مجال ذکر تمامی آنها وجود ندارد؛ بنابراین، به ذکر تعدادی از آنها بسنده شد و در پایان تحلیل‌های مدنظر و نتایج به دست آمده در قالب نمودار ارائه شده‌اند.

انواع فرایندها، تعیین و فرایند غالب در سوره یوسف مشخص شد. علت انتخاب سوره یوسف در این پژوهش این بود که این سوره از ویژگی خاصی برخوردار است. برخلاف سرگذشت سایر پیامبران که به صورت بخش‌های جداگانه در سوره‌های مختلف قرآن پخش شده است، محتوای این سوره به هم پیوسته و بیان فرازهای مختلف یک داستان است که در بیش از ده بخش با بیانی فوق‌العاده گویا، جذاب، فشرده و مهیج آمده است.

۵- تجزیه و تحلیل داده‌ها

واحد تحلیل برای هلیدی جمله‌واره یا بند است که نقش مهمی در سازمان‌دهی نظریه هلیدی دارد. این عنصر قطعه‌ای زبانی است که اساس و پایه یک گروه فعلی را منعکس می‌کند. در این پژوهش، ملاک تقسیم‌بندی آیات به بند، وجود عنصر فعلی در جمله است. سوره یوسف دارای ۱۱۱ آیه است. در بسیاری از آیات چندین گروه فعلی در یک آیه وجود دارد که باهم ترکیب شده و کل آیه را تشکیل داده‌اند. پس بر اساس این، هر فعل، معیاری برای تعیین یک بند در نظر گرفته شد. از طرفی آیاتی نیز وجود دارند که با اسم آغاز می‌شوند و فعل در آنها نمود آشکار ندارد. در زبان عربی به این جملات، جملات اسمیه گفته می‌شود که بین اجزای آن رابطه مبتدا - خبری وجود دارد. در این پژوهش، این گونه جملات براساس فرایند رابطه‌ای بررسی شد. به این ترتیب ۵۴۸ بند به دست آمد که براساس فرانشس بازنمودی تحلیل شدند. همچنین در سوره یوسف تعداد چشمگیری ساختار پیچیده وجود دارد که همان‌طور که ذکر شد، از بهم پیوستن بندهای مختلف تشکیل شده‌اند. در این

جدول ۱۰: تحلیل بند با فرایند رابطه‌ای

شماره آیه	بند	فرایند و نوع آن	شرکت‌کننده‌ها	عناصر پیرامونی
۱	تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ اینها آیات کتاب روشنگر است	فرایند رابطه‌ای	تِلْكَ : حامل آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ : مسند	-

این جمله، یک جمله اسمیه است که با ضمیر «تِلْكَ» آغاز شده است. این آیه یک بند در نظر گرفته شد که دارای فرایند رابطه‌ای است؛ در آن ضمیر «تِلْكَ» به آیات قرآن اشاره دارد و آنها را آیات کتاب روشنگر معرفی می‌کند.

جدول ۱۱: تحلیل بند با فرایند مادی

شماره آیه	بند	فرایند و نوع آن	شرکت‌کننده‌ها	عناصر پیرامونی
۲	إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا ما آن را به صورت قرآنی عربی [و روشن] نازل کردیم	فرایند مادی	نا در إِنَّا : کنشگر هُ در أَنْزَلْنَاهُ : هدف	-

در فرایندهای وجودی، وجودداشتن چیزی یا عملی با افعالی چون «بودن» و «هستن» بیان می‌شود. این بند دارای فرایند وجودی است و «آیاتُ لِّلسَّائِلِينَ» تنها شرکت‌کننده این بند و موجود است.

جدول ۱۵: تحلیل بند با فرایند ذهنی

شماره آیه	بند	فرایند و نوع آن	شرکت‌کننده‌ها	عناصر پیرامونی
۲	لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ باشد که اندیشه کنید	تَعْقِلُونَ: فرایند ذهنی	كَمْ: حسگر	لَعَلَّ

جدول ۱۶: تحلیل بند با فرایند کلامی

شماره آیه	بند	فرایند و نوع آن	شرکت‌کننده‌ها	عناصر پیرامونی
۴	اذ قال يوسفُ لأبيه يا أبتِ إني رأيتُ أحدَ عشرَ كوكباَ والشمسُ والقمرُ رأيتُهُم لي ساجدينَ چنین بود که یوسف به پدرش گفت پدر جان من در خواب یازده ستاره دیدم و خورشید و ماه را، دیدم که به من سجده می‌کنند.	قال: فرایند کلامی	يوسف: گوینده أبيه: گیرنده يا أبتِ إني رأيتُ أحدَ عشرَ كوكباَ والشمسُ والقمرُ رأيتُهُم لي ساجدينَ: گفته	إذ

در این بند عبارت «يا أبتِ إني رأيتُ أحدَ عشرَ كوكباَ والشمسُ والقمرُ رأيتُهُم لي ساجدينَ»، «گفته» در نظر گرفته شد. این عبارت نیز فرایند ذهنی یعنی رأيتُ (دیدم) و فرایند مادی یعنی ساجدينَ (سجده کننده) را در بر دارد.

جدول ۱۷: تحلیل بند با فرایند مادی

شماره آیه	بند	فرایند و نوع آن	شرکت‌کننده‌ها	عناصر پیرامونی
۱۲	يَرْتَعِ بگردد	فرایند مادی	هو (مستتر): کنشگر	-

فرایند مادی شامل اعمالی است که بیان‌کننده عملکرد فیزیکی اند. در این بند فعل «أنزل» را یک فرایند مادی در نظر گرفته شد. ضمیر متصل «نا» که به کننده عمل «نازل کردن» اشاره دارد «کنشگر» و ضمیر متصل «ه» «هدف» است.

جدول ۱۲: تحلیل بند با فرایند رابطه‌ای

شماره آیه	بند	فرایند و نوع آن	شرکت‌کننده‌ها	عناصر پیرامونی
۶	إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ بی‌گمان پروردگارت دانای فرزانه است	فرایند رابطه‌ای	رَبَّكَ: حامل عَلِيمٌ حَكِيمٌ: مسند	إِنَّ

فرایند رابطه‌ای دارای فعلی همچون «بودن» است که البته در این بند تحقق زبانی ندارد. این بند شامل فرایند رابطه‌ای با دو شرکت‌کننده یعنی «رَبَّكَ» به‌عنوان حامل و «عَلِيمٌ حَكِيمٌ» به‌عنوان مسند است.

جدول ۱۳: تحلیل بند با فرایند رفتاری

شماره آیه	بند	فرایند و نوع آن	شرکت‌کننده‌ها	عناصر پیرامونی
۳۲	فَاسْتَعْصَمَ ولی او خویشنداری ورزید	فَاسْتَعْصَمَ: فرایند رفتاری	هو (مستتر): رفتارگر	فَ

فرایندهای رفتاری به کنش‌های روانشناختی - فیزیکی مربوطاند. در این بند ضمیر مستتر «هُوَ» رفتارگر است.

جدول ۱۴: تحلیل بند با فرایند وجودی

شماره آیه	بند	فرایند و نوع آن	شرکت‌کننده‌ها	عناصر پیرامونی
۷	لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلسَّائِلِينَ به راستی در داستان یوسف و برادرانش برای پرسندگان عبرت‌هاست	كَانَ: فرایند وجودی	آیاتُ: لِّلسَّائِلِينَ: موجود	لَقَدْ فِي يُوسُفَ وَ إِخْوَتِهِ

جدول ۲۳: تحلیل بند با فرایند کلامی

شماره آیه	بند	فرایند و نوع آن	شرکت‌کننده‌ها	عناصر پیرامونی
۹۹	وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ أَمِينٌ و گفت به خواست خداوند با امن و امان وارد مصر شوید [و همین جا بمانید]	قَالَ: فرایند کلامی	هُوَ (مستتر): گوینده ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ أَمِينٌ: گفته	-

درخور ذکر است در این بخش، تنها تحلیل ۲۳ بند، برای مثال، بیان شده است؛ اما به‌طور کلی ساختار گذرایی تمامی ۵۴۸ بند سوره یوسف به همین شکل براساس نظریه هلیدی، تحلیل و درنهایت بسامد هر فرایند در جدول زیر نشان داده شد:

جدول ۲۴: بسامد و درصد کلی انواع فرایندها

ردیف	نوع فرایند	بسامد فرایند در تمامی بندها	درصد بسامد فرایند
۱	مادی	۲۰۶	۳۷/۵۹٪
۲	کلامی	۱۲۳	۲۲/۴۴٪
۳	رابطه‌ای	۱۱۶	۲۱/۱۶٪
۴	ذهنی	۹۵	۱۷/۳۳٪
۵	رفتاری	۴	۰/۰۰۷٪
۶	وجودی	۴	۰/۰۰۷٪
	مجموع	۵۴۸	۱۰۰٪

در پایان نکته شایان توجه، نقش مهم فرایند کلامی در سبک خاص متن وحی است. هر چند نقش فرایند مادی انکارپذیر نیست، این حقیقت را نیز نباید از نظر دور داشت که آنچه قرآن را از متون روایتی دیگر متمایز می‌سازد، سبک گفت‌وگویی است که روایت با آن محقق می‌شود. گفت‌وگوها عمدتاً جملاتی‌اند که بعد از یک فرایند کلامی آغازین در بند پایه می‌آیند. بیشتر این جملات با یک فرایند کلامی (قال) آغاز می‌شوند؛ برای مثال، در ابتدای

معمولاً وقوع فرایند مادی، وابسته به دو عنصر «کنشگر» و «هدف» است؛ اما چنانچه فعل مدنظر از نوع لازم باشد، نیازی به عنصر «هدف» ندارد. فعل در جدول بالا از این نوع است.

جدول ۱۸: تحلیل بند با فرایند رابطه‌ای

شماره آیه	بند	فرایند و نوع آن	شرکت‌کننده‌ها	عناصر پیرامونی
۱۴	مَا جَوَانَانِي برومند هستیم	فرایند رابطه‌ای	تَخَنُّ: حامل غُصْبَةٌ: مسند	-

جدول ۱۹: تحلیل بند با فرایند ذهنی

شماره آیه	بند	فرایند و نوع آن	شرکت‌کننده‌ها	عناصر پیرامونی
۲۸	فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ چون دید پیراهنش را	رأى: فرایند ذهنی	هُوَ (مستتر): حسگر قَمِيصَهُ: پدیده	فَلَمَّا

جدول ۲۰: تحلیل بند با فرایند مادی

شماره آیه	بند	فرایند و نوع آن	شرکت‌کننده‌ها	عناصر پیرامونی
۳۶	أَحْبِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا بر روی سرم نان می‌برم	أَحْبِلُ: فرایند مادی	أنا (مستتر): کنشگر خُبْرًا: هدف	فَوْقَ رَأْسِي

جدول ۲۱: تحلیل بند با فرایند رفتاری

شماره آیه	بند	فرایند و نوع آن	شرکت‌کننده‌ها	عناصر پیرامونی
۷۷	وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ برای آنها اظهار نداشت	يُبْدِي: فرایند رفتاری	هُوَ (مستتر): رفتارگر	لَهُمْ

جدول ۲۲: تحلیل بند با فرایند کلامی

شماره آیه	بند	فرایند و نوع آن	شرکت‌کننده‌ها	عناصر پیرامونی
۸۶	قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحَزْنِي إِلَى اللَّهِ گفت درد و اندوهم را فقط با خداوند در میان می‌گذارم	قَالَ: فرایند کلامی	هُوَ (مستتر): گوینده إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحَزْنِي إِلَى اللَّهِ: گفته	-

دستان‌شان را بریدند، چه بود؟ (یوسف، ۵۰).

قَالَ مَا خَطْبُكُمْ إِذْ رَاوَدْتُنَّ يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ
حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ
الآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ
الصَّادِقِينَ.

[پادشاه به زنان] گفت کار و بار شما چه بود که از یوسف کام خواستید؟ گفتند پناه بر خدا ما هیچ بد و بیراهی از او سراغ نداریم، [آنگاه زلیخا] همسر عزیز گفت اینک حق آشکار شد، من [بودم که] از او کام خواستم و او از راستگویان است (یوسف، ۵۱).

مثال بالا تنها بخش کوچکی از سرگذشت یوسف را بیان می‌کند و چنانکه می‌دانیم تمامی این سوره به همین سبک محقق شده است.

۶- نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر سعی شد تحلیلی از ساختار گذرایی آیات سوره یوسف از منظر فرانش تجزیه نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی ارائه شود. پس از تجزیه و تحلیل بندهای سوره مذکور نتایج زیر به دست آمد:

تحلیل بندها براساس نوع فرایند، شرکت‌کننده‌ها و عناصر پیرامونی نشان داد از میان فرایندهای موجود در فرانش تجزیه یعنی فرایند مادی، ذهنی، کلامی، رابطه‌ای، رفتاری و وجودی، تمامی فرایندهای مذکور در سوره یوسف موجودند، هر چند با کمیت‌های متفاوت. پس از بررسی فرایندهای موجود، با توجه به جدول ۲۱ بسامد وقوع هر فرایند به شرح زیر به دست آمد:

- ۱) فرایند مادی: ۲۰۶ مورد؛
- ۲) فرایند کلامی: ۱۲۳ مورد؛
- ۳) فرایند رابطه‌ای: ۱۱۶ مورد؛

سوره، گفت‌وگوی حضرت یوسف با پدرش بیان می‌شود که خواب خود را برای او بیان می‌کند و حضرت یعقوب می‌فرماید خواب خود را برای برادرانت بازگو نکن. بلافاصله بعد از آن، دسیسه برادران با یک فرایند کلامی آغاز می‌شود که می‌گویند پدر، یوسف را بیشتر دوست دارد:

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ
كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ.

چنین بود که یوسف به پدرش گفت پدر جان من در خواب یازده ستاره دیدم و خورشید و ماه را، دیدم که به من سجده می‌کنند (یوسف، ۴).

قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ
فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ.

[یعقوب] گفت فرزندم خوابت را برای برادرانت بازگو مکن که در حقت بدسگالی می‌کنند؛ زیرا شیطان دشمن آشکار انسان است (یوسف، ۵).

إِذْ قَالُوا لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنَّا وَنَحْنُ
عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ.

چنین بود که گفتند یوسف و برادرش [برادر ابوینی او] از ما نزد پدرمان محبوب‌ترند و ما برای خود جوانان برومندی هستیم، بی‌گمان پدرمان در گمراهی آشکار است (یوسف، ۸).

یا زمانی که یوسف قرار است از زندان آزاد شود، به فرستاده پادشاه می‌گوید: از عزیز مصر بپرس که چرا زنان دستان خود را بریدند؟ و بلافاصله عزیز مصر پاسخ می‌دهد.

فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَيَّ رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا
بِالْنُسُوءِ اللَّاتِي قَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ.

آنگاه که فرستاده نزد او آمد [یوسف] گفت به نزد سرورت بازگرد و از او بپرس که کاروبار آن زنان که

نگاهی بیافکنیم خواهیم دید کل سوره با *قال* به بخش‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شود که هر یک بیان‌کننده قول یکی از شخصیت‌های روایت است. به عبارت دیگر، کل سوره با *قال* به بخش‌های کوچک‌تر متشکل از چند جمله تقسیم شده است. این بدین معنی است که روایت یوسف بیش از آنکه به اعمال و کنش‌های شخصیت‌ها متکی باشد، بر گفته‌ها و کنش‌های کلامی آنان تکیه دارد. هر بخش، گفته یکی از شخصیت‌هاست که با *قال* معرفی شده است و *قال* فعل اصلی هر بخش است که معمولاً در آغاز می‌آید. آنچه با نام کنش‌های مادی و دیگر کنش‌ها پس از جمله اصلی نمایان می‌شود، یکی از شخصیت‌های روایت آن را بیان می‌کند.

بنابراین، فرآیندهای کلامی ساختار منسجمی را به قرآن می‌بخشند؛ به گونه‌ای که روایت به شکل مجموعه‌ای از قول‌ها متجلی می‌شود. نکته جالب توجه این‌که آنچه پس از *قال* به‌عنوان کلام شخصیت‌ها بیان می‌شود، همواره زمان حال است؛ به گونه‌ای که خواننده گاه خود را در برابر قرآن و در برابر شخصیت‌های روایت حاضر می‌یابد.^{۳۷}

Bibliography

- The holy Quran (2006) Trans. Baha-o-Din Khoramshahi, Niloofar-Jami Publications, Tehran.
- Dabir-Moghadam, M. (2006) *Theoretical Linguistics*, Tehran, SAMT.
- Ishani, T. & Nemati Ghazvini, M. (2013) Cohesion and Coherence in Sura Saff Based on a Functional Approach, Research Journal for Iranian Society of Arabic Language and Literature. Vol. 9, Issue 27, pp. 65-95.
- Azarnezhad, SH. (2006) Cohesion in the Quran. MA thesis, PNU.

۴) فرایند ذهنی: ۹۵ مورد؛

۵) فرایند رفتاری: ۴ مورد؛

۶) فرایند وجودی: ۴ مورد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود فرایند غالب، فرایند مادی است. انتظار طبیعی از روایتی که سرگذشت پیامبر و قومی را بازگو می‌کند، غیر از این نیست. در واقع، بخش عمده داستان به بیان تجربه حضرت یوسف و دیگر شخصیت‌ها نظیر یعقوب و پسران و عزیز مصر و همسرش می‌پردازد؛ اما جای بسی تأمل است که بعد از فرایند مادی، فرایند کلامی بیشترین بسامد را دارد. دلیل این بسامد به این حقیقت مربوط است که متن سوره مذکور، به‌عنوان مجموعه‌ای از قول‌ها ارائه شده است که اشخاص گوناگون را در گفت‌وگوهای در برابر هم قرار می‌دهد. این گفت‌وگوها عمدتاً جملاتی‌اند که بعد از یک فرایند کلامی آغازین در بند پایه می‌آیند. بیشتر این جملات با یک فرایند کلامی (*قال*) آغاز می‌شوند.

همان‌طور که بیان شد فعل *قال* و دیگر افعال هم نقش و هم خانواده آن سبک خاصی را به قرآن می‌بخشند که می‌توان آن را سبک گفت‌وگویی نامید. نکته جالب این‌که برخلاف فرایندهای مادی که طیف وسیعی از افعال را شامل می‌شوند، فرآیند کلامی، به استثنای مواردی همچون فعل نقص (روایت می‌کنیم)، منحصراً در قالب فعل *قال* یا هم‌خانواده‌های آن نظیر *قلن* یا *قالوا* متجلی می‌شود؛ بنابراین، ما در فرآیند کلامی با یک فعل سروکار داریم که ساختار کلامی خاصی را معرفی می‌کند. بدین صورت که پس از *قال* فقط نقل یا گزارش مستقیم می‌آید. در واقع هر کسی که در این روایت سخن گفته سخن او به‌صورت کلام مستقیم نقل شده است. اگر دوباره به سوره یوسف

- Based on Halliday's Systemic Functional Grammar. *Interdisciplinary Quranic Studies*, Vol. 4, Issue 2, pp. 145-174.
- Eggs, S. (2004). *An Introduction to systemic Functional Grammer*. New York: Continuun.
- Gheitury, A. (2015). *God and the Present Voice: An Investigation into the Dialogical Nature of the Quran*. *Journal of Shia Islamic Studies*. Vol. 8, No. 3, pp. 289-306.
- Halliday, M. A. K. (1985). *An Introduction to Functional Grammer*. First edition. New York: Edward Arnold.
- Halliday, M. A. K. (1994). *An Introduction to Functional Grammer*. Second edition. New York: Edward Arnold.
- Halliday, M. A. K., & Ch. Mattieson. (2004). *An Introduction to Functional Grammer*. Third edition. London: University Press.
- Batmani, H. (2011) *A Systemic Functional Approach to Chapter 36 (Yasin) in the Quran*. MA thesis, Razi University.
- Batmani, H. & gheitury, A. (2014) *A Systemic Functional Approach to Chapter 36 (Yasin) in the Quran*. *Language research*, Vol. 5, issue 901, pp. 7-35.
- Hossein R. & Masoumeh, A. (2014) *A New Viewpoint to Details Presentation in the Holy Quran based on Functional Linguistics*. *Literary Quranic Researches*, Vol. 2, Issue 3, Pages 53-73.
- Karami, A. & Eskandarloo, MJ. (2010) *Thematic Cohesion of Verses and Suras of the Quran, an Approach for Better Understanding of the Quran*. *Journal of the Holy quran and Islamic Texts*, Issue 2, pp. 65-93.
- Nabifar, N. (2013) *Investigating Seven Chapers from the 30th Part of the Quran*

پی نوشت ها

- ¹ Halliday's systemic functional grammar
- ² circumstantial adjuncts
- ³ text
- ⁴ Haliday & Mathiessen
- ⁵ choices
- ⁶ Eggs
- ⁷ experimental metafunction
- ⁸ interpersonal metafunction
- ⁹ offer
- ¹⁰ textual metafunction
- ¹¹ actor
- ¹² subject
- ¹³ theme
- ¹⁴ lexico-grammer
- ¹⁵ transitivity system
- ¹⁶ material process
- ¹⁷ goal
- ¹⁸ mental process
- ¹⁹ sensor
- ²⁰ phenomenon
- ²¹ verbal process
- ²² sayer
- ²³ receiver
- ²⁴ verbiage
- ²⁵ behavioral process
- ²⁶ behaver

27 existential process

28 existent

29 relational process

30 identifying mode

31 identifier

32 identified

33 attributive mode

34 carrier

35 attribute

36 circumstantial attribute

37. باتمانی و قیطوری (۱۳۹۲) و قیطوری (۲۰۱۵).

